

عصر مغلان آغاز دوره‌ای نوین در تاریخ ایران

درباره منوچهر مرتضوی

منوچهر مرتضوی حافظ‌پژوه، ادیب و مورخ، در محله ششگلان تبریز به دنیا آمد. پدرش حاج سیدابراهیم آقا مرتضوی از معتمدین شهر تبریز بود وی نام خانوادگی خود را از جد خود حاج سیدمرتضی گرفته است. مقدمات علوم را در تبریز و تحصیلات متوسطه را در تهران در دبیرستان فیروز بهرام، و تحصیلات عالی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گذراند و از محضر استادانی چون ملک الشعرای بهار، بدیع الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، مجتبی مینوی، محمدتقی مدرس رضوی، ابراهیم پورداوود و... بهره فراوان برد. در سال ۱۳۳۷ از رساله دکتری خود با عنوان «اوضاع ادبی آذربایجان در عصر ایلخانان» دفاع کرد و در رشته زبان و ادبیات فارسی دکترا گرفت. استادان راهنما و مشاور او، بدیع الزمان فروزانفر، ابراهیم پورداوود و مدرس رضوی بودند. دکتر مرتضوی، در اول مردادماه سال ۱۳۴۳ با ابلاغ وزارت فرهنگ به درجه استادی رسید. در اواسط دهه چهل «مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران» را - که وابسته به دانشگاه آذربادگان است - بنیانگذاری، و کتاب‌های ارزشمندی را با همکاری این مؤسسه منتشر کرد. در شهریور، ۱۳۵۶ مسئولیت ریاست دانشگاه آذربادگان آن زمان را به عهده گرفت. وی در اردیبهشت ۱۳۵۷ از سمت ریاست دانشگاه استعفا داد؛ ولی استعفای او مورد قبول حکومت وقت واقع نشد. پس از انقلاب، مرتضوی که تمایل بیشتری به پژوهش‌های کتابخانه‌ای و تحقیق‌های شخصی خود داشت، کرسی تدریس خود را در دانشگاه تعطیل کرد و در منزل به تحقیق مشغول شد. وی در دوران تدریس و مدیریت‌های اجرایی نیز، پژوهش در تاریخ و ادبیات کهن را با جدیت دنبال می‌کرد و آثاری نیز در همان دوران به چاپ رساند.

درباره‌ی کتاب

مرتضوی دوره تاریخی ایلخانان را دارای اهمیت می‌داند و امتیازاتی برای آن برمی‌شمارد. وی این امتیاز را به چند عامل متکی می‌داند: ۱- تنوع و اهمیت حوادث سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اجتماعی در دوره مورد بحث؛ ۲- وقوع حوادث تعیین‌کننده و نقطه عطف در جریان تاریخ جهان یا یک سرزمین و تأثیر شگرف آن حوادث در ادوار بعدی؛

• زهرا کشاورزقاسمی
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء



- مسائل عصر ایلخانان
- منوچهر مرتضوی
- بنیاد موقوفات دکتر افشار
- چاپ اول، ۱۳۸۵، ۶۹۵ صفحه



۳- وجود منابع کافی تحقیق^۱.

با توجه به معیارهای مذکور، عصر مغول یکی از مهم‌ترین اعصار تاریخ جهان و ایران و عصر ایلخانان یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران به شمار می‌رود. ایشان نتایج و ابعاد وسیع تأثیر حوادث این دوره را این‌گونه خلاصه می‌کند:

۱- وارد شدن آسیب‌های سهمگین بر پیکر جامعه ایران و دیگر جوامع در ممالک شرق اسلامی (ص ۱۵)؛

۲- گسستن رشته سیر طبیعی فرهنگ و تمدن در ممالک شرق اسلامی و شروع انحطاط شعر و ادب فارسی، انقراض خلافت عربی بغداد و انتقال مرکز قدرت اسلامی به مصر و شام و تغییرات متوالی کیفیت روابط دولت قراقوم و دولت ایلخانی و مسلمین ایران و مسلمین مصر و شام و دول مسیحی با یکدیگر و آثار و نتایج ناشی از این تغییرات و تحولات (ص ۱۵)؛

۳- تجدید حیات دینی و فرهنگی و اجتماعی از آغاز دوره غازانی و ترقی رشته‌های علمی و تاسیس چند حوزه علمیه و دارالعلم بزرگ، یعنی حوزات اربعه رصدخانه مراغه و ربع رشیدی و شام غازان و سلطانیه در ایران (ص ۱۵)؛

۴- نهضت بی‌نظیر وقایع‌نگاری و تاریخ‌نویسی و سرودن منظومه‌های تاریخی

۵- گسترش مهاجرت فرهنگی از ایران به سوی هند و آسیای صغیر و استحکام بنیان فرهنگ ایران در این دو سرزمین (ص ۱۶)؛

۶- وضع قوانین و تجربه‌های جدید اجتماعی و اقتصادی در دوره غازانی و تحولات منفی و مثبت در روابط طبقات جامعه (ص ۱۵)؛

۷- گسترش نفوذ شیعه در ایران و از بین رفتن اقتدار بلامنازع مذاهب سنت و رسمیت یافتن آیین تشیع برای نخستین بار و فراهم آمدن مقدمات نهضت مذهبی و سیاسی دوره صفوی و رهایی ایران و دیگر ممالک اسلامی از سلطه روحانی و سیاسی خلافت عباسی (ص ۱۵)؛

۸- توسعه بازرگانی و جهانگردی و روابط فرهنگی بین قلمرو شرقی و غربی مغول و گسترش طبیعی ارتباط بین متصرفات مغول و کشورهای اسلامی و مسیحی با ابعادی که مکمل نتایج اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جنگ‌های صلیبی، آغاز عصر جدیدی از لحاظ انتقال تمدن و فرهنگ بین آسیای شرقی و جنوبی و میانه و غربی و افریقا و همچنین اروپا محسوب می‌شود (ص ۱۵)؛

۹- تغییر چهره اجتماعی ایران بخصوص آذربایجان در مسیری که به دوران صفویه و قاجار ختم می‌شود (ص ۱۵).

مرتضوی در آغاز کتاب علل نگارش این کتاب را شرح داده است ایشان یادآور شده است که این کتاب، کتاب تاریخ نیست و به منظور شرح وقایع عصر ایلخانان نوشته نشده، بلکه مجموعه‌ای از مسائل و مباحث مهم راجع به آن عصر است (ص ۱۰).

بخش اول: مسائل مهم تاریخی و سیاسی است که به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شود و مرتضوی هر یک از بخش‌ها را به تفصیل، توضیح و تحلیل کرده است. در بعضی از بخش‌ها نکاتی مورد توجه بررسی می‌شود:

برخلاف بعضی از مورخان که هجوم مغول به ایران را ناشی از طبیعت جهانگشایی امپراتوری چنگیزی و تأثیر عوامل سیاسی از قبیل تحریکات دستگاه خلافت بغداد می‌دانند و معتقدند حادثه‌ی اترار در

عصر مغول یکی از مهم‌ترین اعصار تاریخ جهان و ایران و عصر ایلخانان یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران به شمار می‌رود

سلسله علل و عوامل حمله مغول بهانه‌ای بیش محسوب نمی‌شود؛ مرتضوی معتقد است که این عوامل در پیش آمدن حمله مغول غیرمستقیم بوده و به‌طور کلی حادثه اترار و ناجوانمردی غایرخان با تاجر مغول و عمل خوارزمشاه را در کشتن سفرای چنگیز، علت واقعی و اصلی توجه چنگیز به ایران و حمله به ممالک خوارزمشاهی می‌داند. وی معتقد است که از اسناد و مدارک، این نکته که چنگیزخان قبل از واقعه اترار وادار به حمله به ممالک خوارزمشاهی شده باشد، استنباط نمی‌شود (ص ۴).

نگارنده هدف‌های سیاسی و نظامی فرمانروایان مغول را برمی‌شمارد و به بررسی و تحلیل هریک می‌پردازد. اقداماتی در مسیر اجرای آرمان جهان‌گشایی مغول ضروری به نظر می‌رسید که وی این اقدامات را بررسی و تحلیل می‌کند از جمله:

الف - تصرف ایالات تسخیرنشده و سرکوبی عناصر مقاوم در ممالک خوارزمشاهی و استقرار مبانی جهاننداری در سرزمین‌های مفتوحه (ص ۲۰)؛

ب - سرکوبی اسماعیلیه؛ وجود قدرتی مستقل مثل اسماعیلیه به عنوان عاملی مخل در امر حکومت و قدرت مطلقه مغول نمی‌توانست برای فرمانروایان آن قوم تحمل‌پذیر باشد. از طرف دیگر، کینه‌ی تسکین‌ناپذیر مردم مسلمان و علمای اسلام نسبت به این طایفه و نفوذی که علما و بزرگان مسلمین مستقیم و غیر مستقیم در دستگاه مغول داشتند، باعث شد که نظر خان بزرگ متوجه سرکوبی آنان گردد (صص ۲۱ - ۲۰)؛

پ - فتح بغداد و برانداختن خلافت عباسی. نگارنده این مورد را یکی از هدف‌های اساسی درباره مغول می‌داند و معتقد است که این مسأله بیشتر جنبه سیاسی داشت نه نظامی، درواقع غریزه‌ی جهان‌گشایی فرمانروایان مغول حکم می‌کرد که با برانداختن مرکز خلافت اسلامی، مسلمانان کشورهای تسخیرشده را از اندیشه قیام و مقاومت و انتظار وقوع معجزه برهاندند و ملوک و امم دیگر ممالک اسلامی را که هنوز ایلی و فرمانبرداری خان بزرگ را نپذیرفته بودند، مأیوس سازند (ص ۲۳)؛

ت - تصرف مملکت روم و افزودن آسیای صغیر به ممالک ایلخانی. نگارنده در این خصوص برای آگاهی خوانندگان از روابط مغول با

سلاجقه روم و کیفیت تسلط مغول بر آسیای صغیر فصولی را از کتاب تاریخ ابن‌بیبی معرفی می‌کند (ص ۳۶)؛

ج - چاره‌اندیشی برای مسأله شام و مصر. در این مبحث نویسنده آثار و نتایج خصومت ایران با ملوک مصر را بررسی می‌کند و جنگ‌های مهم میان ایلخانان و سلاطین مصر را برمی‌شمارد و از فهرست مذکور در متن این‌گونه نتیجه می‌گیرد که از شش جنگ میان ایلخانان و ممالیک مصر، پنج جنگ به پیروزی مسلمین مصر و شام و شکست سپاهیان ایلخانی منجر شد و همین مسأله علت خصومت و کینه شدید ایلخانان را نسبت به سلاطین مصر و شام به خوبی نشان می‌دهد (صص ۵۷ - ۵۶).

نویسنده برای بررسی حوادث عصر مغول کتاب‌های تاریخی تألیف‌شده در آن روزگار و همچنین منابع مهمی را که پس از آن عصر نگارش یافته است، بررسی و با یکدیگر مقایسه کرده و به نکاتی دست یافته است که ذکر چند مورد درخور توجه است.

الف - به‌طور کلی لحن و قضاوت مورخانی که بیرون از منطقه نفوذ مغول می‌زیسته‌اند با مورخانی که مقیم ایران بوده‌اند، درباره‌ی حوادث زمان متفاوت است. سنجش کتاب‌هایی چون تاریخ جهانگشای و تاریخ و صفات و جامع التواریخ (تألیف‌شده در ایران در روزگار ایلخانان) با کتاب‌هایی مانند طبقات ناصری و تاریخ ابی الفدا (تألیف شده در دهلی و حماة) این تفاوت و اختلاف نظرگاه را آشکار می‌سازد (ص ۷۴)؛

ب - ثبت وقایع اصلی و حوادث مهم در کتاب‌های تاریخ، اعم از فارسی و عربی و اعم از تواریخ تألیف‌شده در ایران و هند و ممالیک اسلامی خارج از قلمرو مغول، کمابیش یکسان است ولی کیفیت بررسی علل و نتایج حوادث و تعیین ارزش امور بستگی به طرز بینش و شیوه داوری و احساسات و عواطف مورخان دارد (ص ۷۵)؛

پ - مهم‌ترین و برجسته‌ترین اختلاف میان کتاب‌های تألیف‌شده در ایران و تواریخی که در کشورهای دیگر اسلامی و بیرون از حیطه‌ی نفوذ مغول نگارش یافته، طرز قضاوت و اظهار نظر این دو دسته از مورخان درباره دو مسأله عظیم یعنی واقعه بغداد و جنگ‌های ایلخانان با ملوک مصر است (ص ۸۱).

نویسنده در بخش همدستی و دوستی ایلخانان و مسیحیان در برابر مسلمین مصر و شام، روابط مغول با مسیحیان را به سه دوره تقسیم

توسعه بازرگانی و جهانگردی و روابط فرهنگی بین قلمرو شرقی و غربی مغول و گسترش طبیعی ارتباط بین متصرفات مغول و کشورهای اسلامی و مسیحی، آغاز عصر جدیدی از لحاظ انتقال تمدن و فرهنگ محسوب می‌شود

عصر مغولان

حیات اسلام در این دوران را مؤلف سادگی آن قوم و نداشتن تعصب خاص مذهبی و عدم پیروی از سیاست دینی و ضداسلامی می‌داند (ص ۱۸۵). آنچه از مطالعه اوضاع مذهبی در دوره ایلخانان مغول برمی‌آید: اسلام آوردن ایلخانان ایران و تمایل غازان خان و اولجایتو به مذهب شیعه، در تعدیل اجحاف و خشونت مغول و حمایت از نقشه‌های علمی و عمرانی وزیرای ایرانی ایلخانی نظیر خواجه رشیدالدین محمد و خواجه غیاث الدین محمد تأثیر کلی داشت (ص ۱۸۷). همچنین تمایل سلطان محمود غازان به مذهب تشیع و قبول تشیع سلطان محمد خدابنده، دوره مذهب شیعی را قبل از صفویه در ایران و آذربایجان نشان می‌دهد (ص ۱۸۸). نیز رواج اسلام و تدین ایلخانان به دین اسلام در ایجاد و توسعه خانقاه‌ها و توجه به اهل تصوف مؤثر بوده است (ص ۱۸۸). دیگر این‌که توجه و تدین ایلخانان به دین اسلام، ایجاد و توسعه حوزه‌های علمی اسلامی، وزارت وزیرای ایرانی مسلمان، تشویق و احترام علما را سبب شد (ص ۱۹۲). مؤلف در بخش آخر، چند منبع معتبر را در مورد مسائل مهم مربوط به دین و مذهب ایلخانان معرفی می‌کند.

بخش سوم: تصوف در دوره ایلخانان؛ اهم مطالب درباره تصوف با توجه به منابعی مانند مجموعه مکاتبات خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر، تاریخ مبارک غازانی، صفوه الصفاى ابن بزاز که اسناد گرانبهایی برای مطالعه در علل پیشرفت و گردان شدن کار صوفیه و گرمی بازار خانقاه‌ها و محترم و عزیز بودن مشایخ و اولیاء تصوف می باشد این‌گونه استنباط می‌شود:

الف - در دوره ایلخانان خانقاه‌های متعددی در اکناف ممالک ایلخانی دایر بود و جمع کثیری از صوفیان در هر یک از خانقاه‌ها به انجام آداب تصوف و کسب فیض و همت از محضر پیران و مشایخ مشغول بودند (ص ۳۱۲).

ب - ایلخانان بزرگ مغول، یعنی غازان و اولجایتو و سلطان ابوسعید توجه خاصی به تصوف و اهل خانقاه داشتند و از حمایت صوفیه و ترویج خانقاه‌ها مضایقتی نداشته‌اند و امرای بزرگی چون امیر چوپان در روزگار گرفتاری دست نیاز به دامن پیران تصوف می‌زدند (ص ۳۱۲).

پ - وزیرای ایلخانان به خصوص خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر و خواجه غیاث الدین محمد بن خواجه رشید الدین را ارادتی کم‌نظیر به

می‌کند الف - دوره وحشت و نفرت و تهدید و مخاصمت؛ ب - دوره روابط عادی سیاسی؛ پ - دوره روابط دوستانه و تمایل به اتحاد (ص ۱۰۶).

نفوذ مسیحیان در دستگاه مغول و وضع ملل مسیحی در قلمرو فرزندان چنگیز، به سیاست داخلی امپراتوری مغول مربوط می‌شود در حالی که روابط ایلخانان با دربار پاپ و دول مسیحی یکی از مظاهر مهم سیاست خارجی و عکس‌العمل طبیعی دولت ایلخانی در برابر مسأله مصر و شام است (ص ۱۱۸).

مؤلف معتقد است بزرگ‌ترین تهمت و مستمسک تکفیر در ایران پیش از دوره مغول، تهمت رخص و اعتزال و الحاد و هواخواهی علویان و فاطمیان بود و از میان وزراء و امرا و بزرگانی که در دوره ایلخانان مغول آماج تیر این تهمت قرار گرفتند، عطاملک جوینی، معین‌الدین پروانه و امیر نوروز از همه مشهورترند (ص ۱۳۰).

بخش دوم: دین و مذهب در عهد ایلخانان؛ مؤلف معتقد است که مهم‌ترین مسأله اجتماعی دوره ایلخانان که از هر لحاظ تأثیر عمیقی در تاریخ ایران داشته، مسأله دین و مذهب در این عصر است. بررسی تأثیر مغول در دین و مذهب مردم ایران و فراهم آمدن مقدمات از بین رفتن تعصبات مذهبی و آزادی نسبی مذاهب اسلام و پی‌ریزی شالوده تشیع مهم‌تر از دیگر موضوعات و مسائلی از قبیل تاریخ و ادبیات است؛ زیرا تاریخ آیینی حوادث و شرح صوری وقایع و ادبیات نماینده ذوق و افکار اجتماعی یک قوم به شمار می‌رود در حالی که دین و مذهب همواره عرصه واقعیات مذهبی بوده و مؤثر اصلی و زمینه واقعی و معنوی بسیاری از حوادث و تحولات فرهنگی و ادبی محسوب می‌شود (ص ۱۶۸).

مذهب ایلخانان؛ در این بخش مذاهب فرمانروایان ایلخانی مطرح می‌شود. چند تن از ایلخانان ایران بودایی و چند نفر مسیحی و چند تن مسلمان بودند.

در بخش اسلام در دوره ایلخانان، ادامه حیات و قوت اسلام در دوره تسلط مغول بررسی می‌شود. اسلام پس از حمله مغول همچنان به حیات خود در ایران ادامه داد و پادشاهان و امرای مغول نیز رفت رفته تحت تأثیر نفوذ معنوی دین اسلام و تبلیغ و تشویق وزراء و مشاوران خود و بزرگان دین قرار گرفتند و مسلمان شدند. علل ادامه

۵- فضل و عنایت خاندان‌های رشیدی و جوینی (ص ۳۷۵).

بخش پنجم: مقلدان شاهنامه در دوره مغول و تیموری و تاریخ منظوم شمس‌الدین کاشانی؛ در این بخش مقلدان سخنور بزرگ طوس در دوره مغول و تیموری و منظومه‌های تاریخی این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد که در واقع نشانگر ادامه سنت ادبیات منظوم حماسی ایران و مکمل بحث تاریخ‌نویسی در عهد ایلخانان به شمار می‌رود و نشان می‌دهد که شاهنامه فردوسی تأثیر فراوانی در تاریخ و ادب و فرهنگ ایران دارد و انواع تقلیدها از شاهنامه فردوسی صورت گرفته است حتی در دوران پر آشوب و فتنه، این تقلید برای نظم منظومه‌های تاریخی به کار گرفته شده است (ص ۵۴۷).

در بررسی این کتاب طرح نکاتی در خور توجه است:

الف - یکی از جنبه‌های مثبت این کتاب انتخاب مسائل و رویدادهای مهم تاریخی و سیاسی و فرهنگی عصر ایلخانان و پرهیز از بررسی رویدادهای کم‌اهمیت است.

ب - نگارنده به شرح وقایع و حوادث نمی‌پردازد؛ بلکه آن‌ها را تحلیل و علل برخی از حوادث را توضیح و آشکار می‌سازد.

پ - در پاورقی توضیحاتی مضاف بر آنچه در متن دارد، می‌آورد و خواننده را برای آگاهی بیشتر در خصوص آن مطلب یاری می‌کند.

ت - داده‌های ارائه‌شده، مستند و موثق‌اند و با ارجاع در پاورقی، این نکته را برای خواننده تثبیت می‌کند.

ج - نگارنده برای رفع ابهامات موجود در وقایع، دست به مقایسه می‌زند؛ وی در بررسی علل حوادث و رویدادها منابع مختلفی را در تقابل یکدیگر قرار می‌دهد و ابهام موجود را رفع می‌کند و نتیجه‌ای منطقی ارائه می‌دهد. (صص ۳۷-۳۵)

د - مؤلف در بحث تصرف روم و افزودن آسیای صغیر به ممالک ایلخانی، به اشتباهی که مورخ بزرگی چون خواجه رشیدالدین در کتاب جامع التواریخ مرتکب شده اشاره می‌کند و روایت درست را از کتاب معتبر تاریخ سلاجقه روم شرح می‌دهد (ص ۳۸)

و - مؤلف در نگارش این کتاب، بررسی دقیقی انجام داده است. وی روایات مختلفی را در موضوع مورد نظر بررسی کرده و هر یک را که درست‌تر به نظر می‌رسیده، نگاشته است و اگر بین روایات، اختلاف به حدی بود که نتوان روایت درست را تشخیص داد با توجه به عقل و منطق خود و اسنادی که در اختیار دارد علل اختلاف روایات را مطرح می‌کند. (ص ۶۳)

ص - آوردن نسخه‌ی خطی در کتاب، مزیت بزرگی است. نگارنده بیش از ده نسخه‌ی خطی را در کتاب خود آورده است؛ این کار باعث می‌شود خوانندگان با نسخه خطی این دوره به درستی آشنا شوند. (صفحات ۴۸۶ به بعد)

پی‌نوشت:

۱ - مرتضوی، منوچهر؛ مسائل عصر ایلخانان، مقدمه مؤلف، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ ۱۳۸۵، ص ۱۵.



مشایخ و بزرگان تصوف و توجهی بی‌دریغ به صوفیه و اهل خانقاه بوده است (ص ۳۱۲).

ت - عصر ایلخانان به وجود شیخ کبیر صفی‌الدین اردبیلی و عارف شهیر شیخ محمود شبستری آراسته و اوراق تاریخ شعر و ادب حوزه ایلخانی به شاهکار بی‌نظیری چون مثنوی گلشن راز و منظومه شیوای جام جم مزین است (ص ۳۱۲).

بخش چهارم: جامع التواریخ رشیدی و تاریخ‌نویسی در دوره ایلخانان؛ تاریخ‌نویسی با اتفاق آراء محققان یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های ادبی و فرهنگی عهد ایلخانان ایران محسوب می‌شود و در هیچ دوره‌ای از ادوار ادبی ایران فن تاریخ‌نویسی تا این حد پیشرفت نکرده و آثاری به عظمت و اهمیت کتاب‌های تاریخ روزگار ایلخانان به وجود نیامده است (ص ۳۶۹). مؤلف علت پیشرفت فن تاریخ‌نگاری را در این دوره چندین عامل می‌داند:

۱- علاقمندی مغول و سلاطین آن قوم به بقای ذکر و تخلید نام (ص ۳۷۱)؛ ۲

- وقوع حوادث بزرگ و حدوث وقایع مهم فیزیکی (ص ۳۷۲)؛

۳- برخورد افکار و آگاهی‌های مختلف و ایجاد روابط با ملل اروپایی و دربارهای مسیحی و ورود اطلاعات و علوم و فنون چینی و مغولی به ایران از یک سو ذوق مورخان فاضل و نکته‌سنجی چون خواجه رشیدالدین را به استفاده از این آبخوره‌های جدید برانگیخت و از سوی دیگر نهضتی از لحاظ توجه به تاریخ ملل دیگر و کسب اطلاعات نسبه صحیح از اوضاع تاریخی اقوام و امم به وجود آورد (ص ۳۷۳)؛

۴- علاقه شخصی و دانش و فضل و آگاهی‌های بعضی از ایلخانان (ص ۳۷۳)؛